

مبحثی که امروز قراره با هم کار کنیم ، مربوط به (تمیز) هست.

نکته ی رو کم گنی :

خیلیا چون خیلی راحت تره ، میگن تمیز ؛ ولی اصلش تمییزه بر وزن تفعیل ؛ یعنی متمایز کردن ؛ کار تمیز ، رفع ابهامه ؛ یعنی یک چیزی رو متمایز میکنه و از ابهام درمیاره. پس چون راحت ما هم میگیم تمیز ولی منظورمون همون تمییزه.

تمیز :

تمیز اسمی است جامد ، نکره و منصوب که از جمله یا اسم قبل خودش رفع ابهام میکنه.

انواع تمیز :

(۱) تمیز نسبت :

تمیزی که از جمله قبل خودش رفع ابهام میکنه و معمولاً پس از اسم تفضیل (أَفْعَل) میاد.

مثال :

عَلَى أَكْثَرِ مَنْى عَقْلاً : علی از نظر عقل از من بیش تر است (عقل علی از من بیش تر است)

در مثال بالا ، عِلْماً تمیز نسبتیه. چرا ؟ چون اسمه ، جامده ، نکرست ، منصوبه و از عبارت قبل خودش رفع ابهام کرده.

نکته ترجمه :

در ترجمه تمیز نسبت ، معمولاً از این عبارت ها استفاده میشه : از نظر ، از لحاظ ، ...

اگه بخوایم تمیز رو طبق این نکته ای که گفتیم ترجمه کنیم خیلی جالب نمیشه (ترجمه اول مثال بالا) ؛ برای همین باید سعی کنیم اون رو به صورت یه جمله روان و معنادار ترجمه کنیم. (ترجمه دوم مثال بالا)

اصل تمیز :

وقتی می‌گیم اصل تمیز نسبت ، یعنی اون تمیز در اصل چی بوده . مبتدا بوده ؟ فاعل بوده ؟ یا مفعول بوده ؟ پس تمیز در اصل ، مبتدا یا فاعل یا مفعول بوده ؛ بنابراین می‌تونیم تمیز رو به صورت مبتدا یا فاعل یا مفعول ترجمه کنیم.

برای این که بتونیم تشخیص بدیم تمیز در اصل چی بوده ، راه حل زیر خیلی میتونه کمک کنه.

۱- مبتدا : تمیز نسبت در جمله ی اسمیه ، مبتداست.

عَلَى أَكْثَرِ مَنْى عَقْلاً : علی از نظر عقل از من بیش تره.

در مثال بالا ، تمیز نسبت ، در جمله اسمیه به کار رفته ؛ پس تمیز در اصل مبتدا بوده < عَقْلُ عَلِيٍّ أَكْثَرُ مِنْى : عقل علی از من بیش تره.

۲- فاعل : تمیز نسبت در جمله ی فعلیه ای که فعلش لازم است ، در اصل فاعل بوده.

حَسَنَ التَّلْمِيزِ خُلُقاً : دانش آموز از لحاظ خلق ، نیکو شد.

در مثال بالا ، تمیز نسبت در جمله ی فعلیه ای به کار رفته که فعلش لازمه. پس تمیز نسبت در اصل ، فاعل بوده < حَسَنَ خُلُقُ التَّلْمِيزِ : اخلاق دانش آموز نیکو شد.

۳ - مفعول : تمیز در جمله فعلیه ای که فعلش متعدی است ، در اصل مفعول بوده.

حَصَدْنَا الْأَرْضَ قَمْحاً : زمین را از نظر گندم درو کردیم !

تمیز نسبت در مثال بالا ، در جمله ی فعلیه ای اومده که فعلش متعدیه. پس تمیز در اصل ، مفعول بوده < حَصَدْنَا قَمْحَ الارضِ : گندم زمین را درو کردیم.

نکته :

فقط تمیز نسبت اصل داره ؛ تمیز مفرد این گونه نیست.

(۲) تمیز مفرد :

تمیزی که از اسم قبل خودش (وزن ، پیمانه ، مساحت ، عدد) رفع ابهام می کنه.

وزن < اِشْتَرَيْتُ كِيلَوَيْنِ تَقَّاحاً : دو کیلو سیب خریدم.

پیمانه < شَرَبْتُ كُوباً شَايَاً : یک فنجان چای نوشیدم.

مساحت < اِشْتَرَيْتُ مِثْراً قُمَاشاً : یک متر پارچه خریدم.

عدد < اِشْتَرَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كِتَاباً : یازده کتاب خریدم.

نکته :

تمیز وزن و پیمانه و مساحت می تونه با «مِنْ» هم بیاد. ولی در این صورت دیگه تمیز محسوب نمیشه ؛ بلکه مجرور به حرف جرّه.

وزن < اِشْتَرَيْتُ كِيلَوَيْنِ مِنَ التَّقَّاحِ.

پیمانه < شَرَبْتُ كُوباً مِنَ الشَّايِ.

مساحت < اِشْتَرَيْتُ مِثْراً مِنَ الْقُمَاشِ.